

طبقه کارگر جهان امسال در بدترین شرایط به استقبال روز کارگر میرود

به مناسبت اول ماه می

امین بیات

هرساله با عشق شرکت در تظاهرات اول ماه می خود را آماده میکردیم تا قدمی هر چه کوچک در حمایت از خواستهای طبقه زحمتکش جهان، برداشته باشیم اما متأسفانه امسال بخاطر شیوع ویروس کرونا ی سرمایه داری برگزار نمیشود ولی ما درشادی کارگران وزحمتکشان امسال پشتیبانی مجازی میکنیم. با پیدایش مناسبات سرمایه داری، طبقه ی نوینی پا به عرصه ی سیاسی تاریخ گذاشت که مجبور بود وهست که برای تامین حداقل مخارج زندگی خود و خانواده اش، نیروی کار خود را عرضه کند و آنرا به سرمایه داران و صاحبان کارگاهها بفروشد وازآنها در مقابل نیروی کار خود مزد دریافت کند . کارگر با پولی که دریافت میکند یعنی نیروی کارش را در کارگاه باز تولید میکند.



ویژه گی اصلی طبقه کارگر آنگونه که در"مانیفست کمونیست"آورده شده ، این است:

"از خود صاحب هیچگونه ابزار تولید نیست و برای آنکه زندگی کند، ناچار است نیروی کار خود را به معرض فروش برساند."

در قرن نوزده میلادی سرمایه داران از کارگران تا شانزده ساعت در روز در کارگاهها کارمیکشیدند و حتی کارگران قادر نبودند با مزد دریافتی هزینه خوراک و پوشاک خود و خانواده خویش را تامین کنند، یعنی درحال داشتن کار ودرآمد، زندگیشان زیر خط فقربود، و درکارخانه ها ازهیچگونه حقوقی بر خوردار نبودند و کارفرمایان درمقابل سانه ها هیچگونه تعهدی نداشتند در آن دوران کارگران از هر گونه حقوقی محروم بودند و حتی هرگاه منافع کارفرمایان ایجاب میکرد آنها را اخراج میکردند.

کمبود درآمد کارگران سبب آن شده بود که زنان و کودکان نیز به بازار کار کشیده شوند و در کارگاهها نیروی کار خود را به بهائی بسیار نازل بفروشند، به این جهت آن دوران از رشد سرمایه داری به دوران رقابت آزاد معروف شده بود، یعنی همه آحاد جامعه برای تامین هزینه زندگی نیروی کار خود را میفروختند.

پایان قرن نوزده میلادی مواجه است با زوال رقابت آزاد و پیدایش سرمایه انحصاری، و آغاز مطالبات کارگران در اروپا و آمریکا بطوریکه در اول ماه مه 1886 خواست هشت ساعت کار روزانه در کلیه شهرها ئی که کارگران اعتصاب کرده بودند، مطرح شد.

در سال 1889 در آلمان نیز جنبش کارگری بخاطر تحقق کسب هشت ساعت کار روزانه اقدام به اعتصاب کردند و موفق به کسب هشت ساعت کار در روز شدند و در نخستین کنگره بین المللی کارگران که کنگره موسس بین الملل دوم بود در آن خواست هشت ساعت کار و اختصاص دادن روزی را در سراسر جهان به روز کارگر، شدند.

در این رابطه بود که در کنگره پاریس در اول ماه می 1886 تصویب کردند که روز اول ماه مه به مثابه روز همبستگی جنبش بین المللی کارگران و مبارزه بخاطر رهایی طبقه ی کارگر از قید و بند های استثمار، شناخته شود.

به این ترتیب هر ساله روز اول ماه مه از سوی کارگران جهان، این روز را گرامی میدارند، و جشن میگیرند.

و اما در ایران در دوران سلطنت، دولت محصول کودتای 28 مرداد از پیدایش سندیکاهای خودجوش و مستقل و با برپائی "سندیکاهای زرد" دولتی از رشد و گسترش جنبش کارگری جلوگیری کردند و زمانیکه انقلاب 57 تحقق یافت جنبش کارگری ایران فاقد هرگونه بافت سازمان یافته مستقل بود، بهمین دلیل نتوانست در انقلاب نقش محوری و تعیین کننده، داشته باشد. و همچنین بعد از به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی و حاکمیت استبداد سیاه از پیدایش هر گونه سازمان سیاسی و صنفی جلوگیری کردند، و بخاطر عقب ماندگی صنعتی در ایران جنبش سندیکالیستی نتوانست بمثابه ی جنبش مستقل بوجود بیاید. و حکومت اسلامی به مقابله با " شوراهای کارگری" که بوجود آمده بودند، برخواست و با تبدیل کردن آنها به "انجمن های اسلامی" کارگران را وابسته به دولت کردند.

برای اپوزیسیون سوسیالیست و کمونیست ایران هر ساله اول ماه مه(11

اردیبهشت) امکانی بدست میدهد تا از شرایط غیر قابل تحمل زحمتکشان، کارمندان و سندیکالیست های ایران، مستقیم سخن بگوئیم.

از طبقه ای سخن بگوئیم که بیش از اکثریت قریب به اتفاق کل جامعه را تشکیل میدهند، که در بدترین شرایط بیرحمانه استثمار شده و تحت ستم قرار دارند.

اما امسال سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی، بازنشستگان، معلمان کارگران هفت تپه در اعتراض به تعیین دستمزد درمناسبات سرمایه، زیرخط فقر- گرانی و تورم و اعتراض به ممانعت از ایجاد سندیکاهای مستقل کارگری، حضور بهم نمیتوانند بخاطر ویروس کرنا، برسانند.

کارگران و زحمتکشان ایران از زن و مرد هیچ راهی برای نجات ندارند جز اینکه به ایجاد و گسترش تشکلهای مستقل کارگری پرداخته و متحدان علیه ظلم، ستم و استثمار، مبارزه کنند. در نظام سرمایه داری وابسته ایران زحمتکشان برای هر گونه فعالیت و جهت بدست آوردن حقوق اولیه خود، فوراً به "مهر" "ضداسلامی" مهور شده دستگیر، زندانی و شکنجه میشوند.

کمونیستها و سوسیالیستها بمثابه عناصر آگاه تنها نیروئی هستند که در جهت تغییر آگاهانه ی جامعه میتوانند قدم بردارند و در "تحقق برنامه" حداقل کارگری آنهم باین دلیل که طبقه کارگر در ایران در حال حاضر قادر به انقلاب سوسیالیستی نیست. حداقل برنامه یعنی اینکه کنار زدن نظام بورژوازی و استقرار یک حکومت دمکراتیک و لائیک که ابزار اعمال اراده و حاکمیت زحمتکشان ایران باشد را تشکیل دهند. این حکومت باید ضامن آن دمکراسی وسیعی باشد که در آن مبارزه طبقاتی زحمتکشان علیه بورژوازی آزادانه، آشکار و به وسیعترین شکل ممکنه، تکامل یابد.

قانون کار در قانون اساسی جمهوری اسلامی که روابط کارگر و کارفرما را بر طبق "روح قرآن" و "اسلام" بنا نهاده است و جامعه ی اسلامی را با اقتصاد اسلامی و روابط تولید اسلامی بر جامعه حکمفرما کرده است. این رژیم اقتصاد، مالکیت بر ابزار و وسائل تولید، رابطه تولید کننده و مصرف کننده را از طریق قوانین اسلامی توضیح میدهند. رژیمی که میخواست اقتصاد اسلامی را بر جامعه حکمفرما سازد در زیر پوشش اسلام از طریق "قانون کار" جدید، تصور

میکرد بهترین زمینه را برای ارزش افزائی سرمایه فراهم آورده است، ک با شکست مواجه شد. نمیتوان یک جامعه ی سوسیالیستی را هر زمانیکه اراده کردیم، متحقق سازیم. شرط اول تحقق جامعه سوسیالیستی وجود جامعه سرمایه داریست برای اینکه شرط کافی تحقق جامعه سوسیالیستی مادیت اجتماعی بیابد، باید جامعه سرمایه داری مراحل رشد و انکشاف تاریخی خود را سپری کرده باشد. بهمین دلیل ساده نیروهای زحمتکشان باید مسائلی را در دستور کار سیاسی روز قرار دهند که قادر به حل مشکلات آن و تحقق آن در جامعه ایران امروز، باشند.

بنا براین زمانیکه شرایط لازم و کافی در جامعه وجود داشته باشد و طبقه حامل مناسبات جدید، برای گرفتن قدرت سیاسی وارد میدان مبارزه اجتماعی میگردد و با یک جنبش عمومی قدرت را تصرف میکند، در این صورت است که میتوان از یک انقلاب اجتماعی سخن گفت. و اینجاست که قدرت از طبقه ای به طبقه دیگر منتقل میشود و درعین حال مناسبات تولیدی گذشته جای خود را به مناسبات جدید می سپارد. نمونه ی تاریخی این انقلاب اجتماعی را میتوان "انقلاب کبیر" فرانسه در سال 1792 نامبرد. تاریخ بشریت تا به امروز تنها با یک انقلاب اجتماعی آنهم در فرانسه روبرو بوده است با اینحال چنین انقلابی نتوانسته به سرعت حقوق دمکراتیک بورژوازی را در سطح عمومی حاکم کند و 70 سال بدرازا میکشد تا حق "رای" برای مردان و بیش از صد سال میگذرد تا فرصت برای حق "رای" زنان تحقق یابد. پس نمیتوان ادعا کرد که اگر طبقه کارگر ایران حتی اگر از درجه معینی از شعور و تشکیلات رسیده باشد میتواند انقلاب سوسیالیستی کند. زیرا بنظر مارکس انقلاب نتیجه تضاد مادی جامعه است که ما بین نیروهای مولده و مناسبات تولیدی روی میدهد، یعنی انقلاب نتیجه ی درجه ی معینی از رشد این تضاد است. و به آگاهی تشکیلات کارگری چندان کاری ندارد. اگر شرایط اجتماعی آنچنان رشد و انکشاف یافته باشند که مناسبات تولیدی جلوی رشد نیروهای مولده را سد کرده باشد، دراینصورت تحقق انقلاب اجتماعی امری محتوم است، حال اینکه طبقه کارگردارای رشد و آگاهی باشد یا نه، چنین انقلابی روی خواهد داد و قدرت را به طبقه ی کارگر خواهد سپرد و حتی اگر تشکیلات هم نداشته باشد، جامعه در روند انقلابی خود بسرعت انقلاب رو بنای اجتماعی را بوجود خواهد آورد همانطور که انقلاب اجتماعی بورژوازی چنین روبنائی را مبتنی با نیازهای مناسبات تولیدی و صورتبندی اجتماعی جدید بوجود آورد.

باید بررسی کرد که طبقه ی کارگر ایران در چه شرایطی قرار دارد و جامعه ی ایران دارای چگونه ساختاری است.

گفتیم که برای تحقق یک جامعه سوسیالیستی باید تضاد مابین نیروهای مولده و مناسبات تولیدی تا مرحله انفجار رشد کند و باید در سطح جامعه شرایطی حکمفرما باشد که طی آن امکان هر نوع انکشاف از نیروهای مولده سلب گردد. و در برابر جامعه راه حل دیگری جزازمیان برداشتن مراوده و مناسبات موجود قرار نداشته باشد، میتواند پیش شرط تحقق یک انقلاب کارگری، باشد.

طی چهار دهه ی گذشته که از آغاز سیادت جمهوری اسلامی تا به امروز میگذرد نشان از آن دارد که وضعیت اقتصادی جامعه نسبت به دوران حکومت قبل بسیار وده ها برابر بدتر شده است، بدلائل عدیده جنگ، فرار مغزها و ثروتها، بحران در صنایع که اکثرا مونتاژ میباشند و وجود مخارج نظامی، تورم اقتصادی، تعطیل شدن صنایع خصوصی و حتی دولتی و محدود شدن امکانات سرمایه گذاری، در حد صفر، بیکاری ورشکستگی اقتصادی و حتی سیاسی جامعه را بمرز انفجار کشانده است.

از طرفی کشورهای امپریالیستی از جمله آمریکا و انگلیس و آلمان و... بهیچ وجه نمیخواهند که بحران سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کل جامعه را در بر بگیرد دلیل این امر نیز روشن است زیرا گسترش بحرانهای اقتصادی و ناتوانی رژیم در پاسخگویی به نیازهای مردم میتواند شرایطی را در جامعه بوجود بیاورد که نیروهای پشتیبان زحمتکشان بتوانند قدرت را بدست بیاورند.

برای امپریالیستها و بخصوص آمریکا و سایر کشورهای سرمایه داری متروپل هیچ چیزی خطرناکتر از آن نیست که قدرت در ایران بدست نیروهای وابسته به زحمتکشان، بیفتد.

پس هر زمانیکه تحول انقلابی در جامعه سمت و سوی زحمتکشان داشته باشد، جهان امپریالیستی آرام نخواهد نشست و از طریق اقمار خود در ایران دخالت خواهد کرد و بهر شیوه ای که شده جلوی آنرا خواهد گرفت.

از آنجا که در رژیم قبلی یعنی شاه، بخش عظیمی از روستا نشینان دهقانان بشهرها هجوم آوردند و باین ترتیب شهرها را با مشکل مسکن و کار روبرو ساختند و وجود این حرکت اجتماعی که از اوایل اصلاحات ارضی شروع شده بود، خود سرانجام به سرنگونی رژیم شاه وابسته به امپریالیسم آمریکا منجر شد، زیرا آن رژیم با توجه و تکیه بر

اقتصاد درهای باز برای حل و کنترل این مشکل راه حلی نداشت، رژیم جمهوری اسلامی که هم اکنون در بحرانی عمیق اجتماعی سیاسی و اقتصادی بسر میبرد و بطور عمده که تا بحال در میان روستا نشینان دارای تکیه گاه بزرگ اجتماعی بوده است، نیز نتوانسته است برای حل این مشکل راه حلی بیابد، و بیشک به سرنوشت رژیم گذشته دچار خواهد شد.

به این ترتیب در می یابیم که انقلاب 57 شرایطی را بوجود آورده است که فضای فعالیت سیاسی برای کلیه نیروها و بخصوص کمونیستها بسیار مشکلتر شده است، جنبش کمونیستی ایران نمیتواند تکیه فعالیت خود را بر روی اختناق سیاسی موجود در جامعه بگذارد.

سوسیالیستها و کمونیستهای مستقل ایرانی باید با ارائه راه حل های واقعی برای کارگران و هم برای دیگر اقشار تحت ستم و محروم آشکار سازند که نیروهای واقعی واقعا آینده نگر هستند، و "چپ" میهن ما باید نیروهای پراکنده ی خود را متحد سازد و با ایجاد سازمانی که اکثریت سازمانها و لایه های چپ را در بر بگیرد، بکوشد حد اکثر انرژی خود را در جهت بررسی علمی از جامعه گام بردارد و خود را از عام گوئی و شعار دادن برهاند و با دامن زدن به دانش سوسیالیسم علمی از خود آن شایستگی را نشان دهد، واقعیت این است که ما در برابر شرایطی قرار گرفته ایم که میبایستی برای آن چاره اندیشی کنیم.

مسئله بر سر تغییر اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی جامعه ای است که 41 سال است بدون توقف در راه سرایشی می باشد، نیروهای مترقی و آزادیخواه و طرفدار سوسیالیسم در کنار مبارزه بخاطر استقرار آزادیها و حقوق دمکراتیک سیاسی یعنی حقوقی که در کشورهای جهان سوم بوجود آمده است بدون آنکه تضمین شده باشد میبایستی برای حل ریشه ای معضلات اقتصادی و اجتماعی زحمتکشانشان از جمله کار دائم، مسکن، آموزش همگانی و رایگان، بیمه اجتماعی و بطور کلی پیشرفت و توسعه اقتصادی، برنامه عملی و واقعی داشته باشد، عبارت دیگر حقوق انسانی بدون هیچگونه پاسخگوئی به این هر دو جنبه مشکلات جوامع عقب مانده شعار تو خالی است، و جای بسی تاسف است که عده ای از عناصر چپ ایران در اوج توهم نسبت به رژیم، هوادار حفظ جمهوری اسلامی شدند، بخشی در اوج بحران هویت به "ملیون" پیوستند و طرفدار "مالکیت خصوصی" شدند، و بر صحت و سقم دینامیسم سرمایه داری پای فشردند.

در جامعه ای که ملا همه را کارگر میداند و از این طریق روز جهانی کارگران را ممنوع اعلام میکنند چون همه روزهای سال روز کارگر است، بی محابا فعالین کارگری را تنها بدلیل اقداماتیکه جهت طرح خواستهائی که در مقیاس بین المللی از حقوق مسلم و شناخته شده و معمولی کارگران جهان محسوب میشود یعنی حق تشکل، حق تجمع و تظاهرات، حق ایمنی کاردرخواست پرداخت حقوقهای پرداخت نشده و... که از طرف رژیم بطور مستمر نقض میشود زندانی میکند، شکنجه میکند و محکوم میکند.

چپ ایران در بحران بسر میبرد و آنچه بعنوان اصل برای کمونیستها باید وجود داشته باشد مبارزه علیه سرمایه داری جهانی و لغو مالکیت خصوصی بر ابزار و وسائل تولید و ایجاد مالکیت اجتماعی است.

راه بر چیدن سایه شوم فاشیست مذهبی جمهوری اسلامی ایران در اتحاد وسیع همه نیروهای مترقی است که خواستار جامعه ای انسانی و آزاد میباشند، است. و در این ورطه از هر گونه سازشی با بازگشت سلطنت و یا حکومت مذهبی دیگری دوری جسته شرط پیروزی انقلاب را در ایجاد جمهوری دمکراتیکی میدانیم که معیار های استبدادی هزاران ساله را در این جامعه به تاریخ بسپاریم و زمینه رشد و تکامل و توسعه اجتماعی را فراهم کنیم، پیش شرط یک چنین اتحادی وسیع ما بین نیروهای سیاسی پذیرش آراء و عقاید متفاوت ما بین آنهاست و هر نیروئی میتواند بدیل های اجتماعی خویش را جهت تحقق یک جامعه دمکراتیک با آزادی کامل تبلیغ کند و نیروهای اجتماعی هوادار خود را بسیج کند.

در ایران زحمتکشان در شرایطی خود را برای بر گزاری روز جهانی کارگرآماده میکنند که سالی پر مشقت را پشت سر گذاشتند، رکود اقتصادی تداوم یافت، تعداد بیشماری از واحد های تولیدی بسته شدند، تعداد زیادی از کارگران بیکار شدند، فشار و تعرض دولتی بر کارگران بیشتر شد، باز داشت و محاکمه نمایندگان کارگران و فعالین کارگری بشدت ادامه یافت، دستمزد کارگران زیر خط فقر در جا زد، و این درحالیست که خامنه ای بیش از دویست میلیارد دلار ثروت مردم را دزدیده، اما اعتراضات و اعتصابات در برابر سیاستهای ضد کارگری رژیم بطور چشمگیر رو به گسترش نهاد، و قدمی عقب نگذاشتند و همراه خواست نان، کارو آزادی در برابر سرمایه داری عریان ایستادگی کردند و از حقوق خود دفاع نموده و درهم بستگی و همیاری درکنار یکدیگر بودند، و جایگاه خود را در مبارزه برای کسب حقوق خود

بخوبی تشخیص دادند ، اعتصابات کارگری و اعتراضات مدام و بی وقفه در سال گذشته ادامه داشت و این خود مبین این واقعیت است که طبقه ی کارگر علیه سرمایه داری صفوف خود را آرایش نسبی، داده بود، اما و بروس کرونا نیز بر نا ملایمات آنها افزود.

البته تهدید و بازداشت کارگران فعال در آستانه روز جهانی کارگر ادامه دارد، عوامل امنیتی سرکوبگر جمهوری اسلامی در جهت جلو گیری از برگزاری جشن روز کارگر به بهانه های واهی و به انحاء دسیسه های گوناگون کارگران فعال را دستگیر و تهدید به تعقیب کرده اند، این بازداشتها در سراسر ایران، انجام گرفته است، و هنوز در زندان بسر میبرند و با کرونا دست بگریبانند.

فقر دامن گیر همه کارگران شده توانائی خرید مواد غذایی را از دست داده اند و در فقر مطلق بسر میبرند، حقوق کارگرانی که کار میکنند زیر خط فقر و ماهاست پرداخت نشده است، مضافا صدای هر اعتراضی را با زندان ، شکنجه جواب میگویند، اسماعیل بخشی کارگر فدا کار و مبارز را بجرم دفاع از سایر کارگران دستگیر زندانی و شکنجه کرده و مجبور به اعتراف اجباری کرده اند، در ایران تشکل مستقل کارگری جرم محسوب میشود.

رژیم در مقابل سیل، ویروس کرونا و بلا های طبیعی دیگر هیچگونه چاره اندیشی ، پیش بینی های لازم را نکرده بلکه در وقوع سیل و زلزله با عملکرد ضد مردمی به تخریب محیط زیست پرداخته و شرایط زندگی زحمتکشان ، کشاورزان را با آماج خانه خرابی بیشتر مواجه کرده است.

وضعیت واوضاع بسیار وخیم معیشتی کارگران همراه با بحران لاینحل اقتصادی بیش از پیش توده های مردم را مستاصل و نا امید کرده، تنها راهی که مانده ورود به خیابان و ایستادن در مقابل رژیم است، تا زمانیکه این حکومت ضد کارگری و ضد ایرانی و آخوند در قدرتند وضع کارگران بمراتب از این که هست بدتر خواهد شد، هیچ راهی جز با ایجاد همبستگی ملی برای گذر از جمهوری اسلامی نمانده است.

روز اول ماه می امسال ، طبقه زحمتکش و استثمار شده ایران، زیر ستم و فشار شرایط طاقت فرسای جامعه ی اسلامی ضد کارگر، آنهم با شیوع ویروس کرونا، میلیونها انسان فدا کار و زحمتکش ، محرومان جامعه را سخت در تنگنا قرار داده است و به بیکاری و گرسنگی آنهم با انباشت میلیاردها ثروت مردم در چنگال سرمایه داری حاکم بر

جامعه ، قرار داده است.

ویروس کرونا باعث افزایش بیکاری شدید میلیونها کارگر زحمتکش و مزد بگیر جوامع مخلف شده است، و این نظام سرمایه داریست که از این اپیدمی مرگ آور استفاده میبرد، بیشتر جان باختگان محرومان جوامع مختلف بوده است، سرمایه داران به چیزی جز انباشت سرمایه و سود نمی اندیشند و مرگ انسانهای زحمتکش برایشان بی تفاوت است.

دردورانه های قبل از کرونا سرمایه داری کوشیده است که حد اکثر تلاش خود را برای پائین نگهداشتن حقوق کارگران ، کاستن بودجه های بهداشتی و آموزشی ، درمان و تامین اجتماعی، به کارگران فشار مضاعف وارد کند.

در ایران نظام اسلامی با وحشی ترین شکل ممکنه ، اعتراضات کارگران را سرکوب کرده و میکند، و مزد کارگران در ایران از پائین ترین دستمزدها در سراسر جهان است، و نرخ بیکاری ، تورم ، مرگ و میر و ... در ایران از بالاترین نرخ های رایج در جهان است. کارگران ایران اکثریت از حقوق بیکاری، بیمه های اجتماعی ، محرومند وضعیت بسیار بد زنان در ایران به ویژه کارگران زن شرم آور است ، و در بدترین شرایط ممکنه قرار دارند.

سرمایه داری در ایران ، بصورت افسار گسیخته در طی حکومت ننگین خود ، توازن طبیعت را دگرگون کرده و آگاهانه به تخریب محیط زیست ، گیاهی و حیوانی و انسانی ، پرداخته است.

پیروز باد اتحاد و همبستگی کارگران، معلمان، دانشکاهیان علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ، برای کسب آزادی و حاکمیت ملی بر سرنوشت خویش.

امین بیات

28.04.2020

Bayat.a@freenet.de

<https://www.facebook.com/amin.bayat9>

